

# انبیاء مستقل دیگر

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



لوح رقم (26) امر و خلق - جلد 2

## ۲۶ - انبیاء مستقل دیگر

از حضرت بهاء الله در لوحی است قوله الاعلی: یا بهرام از حضرت زردشت سؤال نمودی او من عند الله و بهدایت خلق مأمور نار محبت بر افروخته ید اوست با نار محبت الهی و کتاب اوامر و احکام ربانی آمد ولکن حزب غافل مقامش را ندانستند و ظهورش را نشناختند حزب شیعه نظر بغفلت و نادانی ردش نمودند .

و در اثر دیگری خطاب باقا میرزا ابوالفضل گلپایگانی قوله الاعلی: قسمی شده که مردم روزگار باعتساف انس گرفته اند و از انصاف در گریز ظهوری که حق جل جلاله را بکمال بزرگی یاد نموده و گواهی بر آگاهی او داده و بر تقدیس و تنزیه ذاتش عن الاشباه و الامثال اعتراف نموده گاه او را آفتاب پرست و گاه آتش پرست نامیده اند چه مظاهر و مطالع بزرگ را که از مقاماتشان غافل و از عنایاتشان محروم بلکه نعوذ بالله بسب و لعن ناطق یکی از پیغمبران بزرگ که او را الیوم جهال عجم رد مینمایند باین کلمه علیا ناطق بوده میفرماید آفتاب جرمی است مدور و منیر سزاوار آن نبوده و نیست که او را اله نامند و یزدان گویند حضرت یزدانی کسی است که آگاهی او را ادراک نکند و علوم عالم او را محدود نسازد و چگونگی او را کسی ندانسته و نمیداند و نخواهد دانست ملاحظه نمائید بلسان فصیح بلیغ شهادت داده بر آنچه الیوم حق بآن ناطق است معذک اسم مؤمن نزد این همج رعاع مذکور نه تا چه رسد بمقامات علیا و در مقام دیگر آنحضرت میفرماید هستی از هستی او ظاهر و هویدا و اگر یزدان نباشد هیچ یک از آفرینش را هستی نه و بخلعت وجود مزین نه اعاذنا الله و ایاکم من شر الذین انکروا حق الله و اولیاءه و اعرضوا عن افق شهدت له کتب الله المهیمن القیوم . و از حضرت



ORIGINAL

عبدالبهاء است قوله العزيز اما سؤال ثالث که ظهور حضرت زردشت آیا پیش از حضرت موسی بود یا بعد حضرت زردشت از پیغمبرانی بود که بعد از حضرت موسی مبعوث شدند و این بنصوص تاریخ نیز مثبت است .

و در خطابه از آنحضرت در رمله اسکندریه است قوله المبين از جمله مظاهر مقدسه الهیه حضرت زردشت بود . . . اگر حضرت زردشت نبود ایران محو و نابود شده بود . . . حضرت زردشت در قرآن بعنوان پیغمبر سواحل رس ذکر شد و بزرگواری حضرت مثل آفتاب است تا یوم جمال مبارک بزرگواری حضرت زردشت مستور بود و بعد جمال مبارک اسم حضرت را بلند نمود .

و قوله العزيز حضرت زردشت نیز سفری بایندیار فرمودند و با بعضی از انبیای بنی اسرائیل ملاقات نمودند . و خطاب ببهائیان باد کوبه است قوله الکریم هو الله ایعاکفان کوی دوست ایعاشقان روی دوست قفقاز یا جمیعا تابع رود ارس است که در قرآن اصحاب رس تعبیر شده جمعی از انبیاء در زمان قدیم که خبرشان منقطع شده در آن اقلیم مبعوث شدند و عالم انسانی را بنفحات رحمانی معطر نمودند و همچنین در زمان اخیر حضرت اعلی روحی فداه بچهریق سر گون و در آنجا مسجون گشتند حافظ شیرازی رائحه بمشامش رسیده و این غزل را گفت ای صبا گر بگذری بر ساحل رود ارس بوسه زن بر خاک آنوادی و مشکین کن نفس و حضرت زردشت نیز مدتی در آن صفحات سیر و حرکت میفرمودند و کوه قاف که در احادیث و روایات مذکور همین قفقاز است و ایرانیان را اعتقاد چنان که آشیانه سیرغ است و لانه عنقاء شرق .

و در خطاب بیهمن است قوله العزيز در خصوص نامهای پیغمبران سؤال فرموده بودید که با وجود کثرت انبیاء در قرآن معدودی قلیل عبارت از بیست و هشت نفر مذکور حتی حضرت مه آباد و زردشت مذکور نه و حکمت این چه چیز است . بدانکه در قرآن بیست و هشت پیغمبر بظاهر مذکور ولی فی الحقیقه کل مرموز زیرا از برای مظاهر مقدسه دو مقام است مقام توحید و مقام تحدید در مقام توحید حقیقت واحده هستند در اینمقام میفرماید لا نفرق بین احد من رسله مثلش مثل شمس است هر چند مطالع و مشارق متعدد است ولکن شمس واحد است که مشرق و لائح از کل است در اینمقام ذکر هر یک از انبیاء و ذکر کل است نام احمد نام جمله انبیاست و مقام دیگر مقام تحدید است و آن کسب مراتب و شئون مظاهر مقدسه است در اینمقام میفرماید تلک الرسل فضلنا بعضهم علی بعض مثل اینمقام مثل بروج است که آفتاب را در هر یک از آن تائری خاص و درجاتی از حرارت مختلف است چنانکه آفتاب را در برج اسد نهایت حرارت حاصل و در برج دلو و حوت حرارت معتدل پس معلوم شد که ذکر بعضی از انبیاء عبارت از ذکر کل است در اینمقام چیزی بخاطر رسد که مادام چنین است چرا کفایت بذکر یک نفس از انبیاء نشد و پس حکمت ذکر بیست و هشت چه چیز است این معلوم است که نظر بحکمتهای بالغه الهی در زمان ختمی مآب روحی له الفداء و وقعاتی دست میداد و بمقتضای وقت و اقتضای حال وقعات پیغمبران سلف نازل میشد و بیان میگشت لهذا ذکر بعضی از پیغمبران و وقعات ایامشان نظر بحکمت بالغه در قرآن عظیم شد و چون مقام نبوت مقام افاضه و استفاضه است و در

عالم خارج مثال مجسمش کوکب قمر مکرم است و ماه را در دور فلکی بیست و هشت خانه محقق اما حضرت مه آباد و حضرت زردشت در قرآن تلویحاً مذکورند و نفسی تا بحال پی نبرده چنانچه اصحاب رس و انبیائشان ذکر نموده و این رس رود ارس است و این پیغمبران ذیشان متعدد بودند از جمله حضرت مه آباد و حضرت زردشت بود .

و قوله العزیز اما از جهت ادیان سائره در نصوص بهاءالله و کتب احباء مثل کتاب میرزا ابوالفضل ذکر حضرت زردشت و حضرت بودا و برهما و کانفیوش مصرح است و همچنین در مکاتیب من در بدایت اساس حضرت زردشت و حضرت بودا بسیار موافق بود ولی بعد تحریف و تغییر یافت و در مفاوضات قوله العزیز بوده نیز تأسیس دین جدید کونفیوش تجدید سلوک و اخلاق قدیم نمود ... مؤسس این دین شخص نفیس بود تأسیس وحدانیت الهیه نمود ولی من بعد بتدریج اساس اصلی بکلی از میان رفت ... تا آنکه منتهی بعبادات صور و تماثیل گردید .

و در ضمن خطابه بنیویورک قوله الجلیل در جمیع کتب مقدسه بشاراتی



تمام انبیاء غیر از چهار تن که هود و صالح و اسمعیل و محمدند از ملل غیر عرب بودند (ضحی الاسلام)